

متن و ترجمہ

نقشہ حسن عسکری
(علیہ السلام)

جلد اول

تحقیق و ترجمہ:

علامہ استاد سید انوار الکاظم حسنی

سرشناسه : حسن بن علی (ع)، امام یازدهم، ۲۳۲ - ۲۶۰ هـ.
 عنوان قرارداد: تفسیر الامام الحسن العسكري (ع)، فارسی-عربی
 عنوان و نام پدیدآور: ترجمه تفسیر عسکری، امام حسن عسکری علیه السلام، مترجم سیدانوارالکاسم حسینی
 مشخصات نشر: قم: بنی الزهراء (علیها السلام)، ۱۳۹۴-
 مشخصات ظاهری: ج ۲
 شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۵۲-۶۷-۱؛ ج ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۵۲-۶۹-۵؛ ج ۲: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۵۲-۶۸-۸
 وضعیت فهرست نویسی: لیبا
 یادداشت: ج ۱ (چاپ اول: ۱۳۹۴) (لیبا)، یادداشت: فارسی-عربی
 یادداشت: کتابخانه
 موضوع: تفاسیر (سوره بقره)، موضوع: تفاسیر (سوره فاتحه)، موضوع: تفاسیر شمه - قرن ۱۳
 شناسه افزوده: حسینی، سیدانوارالکاسم، ۱۳۳۶ - مترجم
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۷۰۶۱:ص۲ / BP۱۰۲/۱
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۰۱۷۵۳



متن و ترجمه

تفسیر
 تفسیر امام حسن عسکری
 ترجمه سیدانوارالکاسم حسینی
 ناشر: انتشارات بنی الزهراء (علیها السلام)
 چاپ و صحافت: ساجا / جزایری
 قیرا: ۵۰۰ دوره
 سال نشر: پاییز ۱۳۹۴
 چاپ: اول (جلد اول)
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۵۲-۶۹-۵ - ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۵۲-۶۷-۱
 شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۵۲-۶۷-۱

بنی الزهراء (علیها السلام)
 چاپ و نشر و توزیع
 دفتر مرکزی:
 قم، میدان شهداء، خیابان معلم، بعد از اداره برق
 فروشگاه: خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه همکف، پلاک ۹۲
 تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۸۵۵۵ - ۳۷۸۳۶۳۰ - ۳۷۷۳۱۷۵۲
 همراه: ۰۹۱۲۳۵۱۴۱۴۸ (جزایری) - ۰۹۱۲۷۴۶۲۱۵۳ (معینی)

قیمت دوره: ۹۰۰۰ تومان

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام)
از حضرت آیه الله مفتی سید طیب جزائری (دام ظلّه)

این تفسیر معصوم است و مظلوم

تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) مانند خود امام حسن عسکری (علیه السلام) مظلوم میباشد زیرا به این تفسیر از یک جهت تفسیر نمی گویند و از سوی دیگر می گویند و می نویسند (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، (علیه السلام))

حتی محقق معاصر علامه سید محمد باقر ابن حنی (طاب ثراه) که درباره تفسیر مذکور کار تحقیقی بزرگی انجام داده ولی متأسفانه عنوان تفسیر همین نوشته اند تفسیر (منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام))، و این بدین مسمی می باشد که این تفسیر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) از ایشان نمی باشد و دیگر این را به آن حضرت منسوب نموده اند.

حال سؤال پیش می آید که شما اگر همین نسبت دادن را به کسی دیگری بگوئید مثلاً (فلان به پدرش منسوب است)، چقدر عمل زشت و بدی خواهد بود؟

شگفت آور این است که افرادی یقیناً فرزند پدرشان نیستند مانند دشمنان و قاتلان آل محمد (علیهم السلام) به آنها نمی گویند که به پدرهای شان منسوب هستند، ولی این تفسیر بی نظیر را می گویند منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام) است.

همانگونه که قصاص قبل از جنایت ممنوع و مذموم است، آیا حکم قبل از قضاوت

ممنوع نخواهد بود ؟ در حالیکه حقیقت این است که تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) صد در صد از خود امام حسن عسکری (علیه السلام) صادر شده و بر این گفتار خود دلیل های محکم خواهیم آورد که می خوانید و نظر ما را تصدیق خواهید نمود (انشأ الله).

مؤیدین و مصدقین این تفسیر

اگر چه در این تفسیر اختلاف است ولی ما از این اختلاف نمی هراسیم زیرا اختلاف کجانیست در ولادت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) اختلاف است، در وفات ایشان اختلاف است، همین طور در وفات و ولادت ائمه طاهرين (علیهم السلام) نیز اختلاف شدید بین روایات است، در احکام شیعیت و قدر اختلاف است، مانند غسل جمعه و نماز جمعه.

این همه اختلاف به این دلیل است که امور مذهبی ما (اهل تشیع) زیر سایه تقیه به ما رسیده است در زمانی که راویان ما جرئت نداشتند نام اهل بیت (علیهم السلام) را بر خود بگذارند مانند جابر جعفری که از بهترین روایت ها این است که حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) می باشد که نام پدرش یزید بود، و نیز از بهترین روایان حضرت امام صادق (علیه السلام) عمر بن یزید بود، در اینگونه حالات ما نباید اصرار داشته باشیم که تمام اخبار و روایات ما شرایط صحت را داشته باشد.

از این جاست که فقهای ما قاعده "تسامح در ادله سنن" را بکار بردند، زیرا قلم در دست دشمن بود و ما نه قلم داشتیم نه علم ظاهری. در حالی که خود حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) رانه قلم دادند و نه علم (توجه کنید به جریان جیش اسامه بن زید) پس ما چه اهمیت داریم!

اکثر راویان ما احادیث را از خوف دشمن به رشته تحریر در نمی آوردند بلکه در حافظه خود جا می دادند، مانند جابر جعفری هفتاد هزار حدیث در حافظه خود داشت یا ابن ابی عمیر کتابهایش را خواهرش از خوف دشمن در زمین دفن کرده بود که سبب تلف

شدن همه آنها گردید، لذا بدین جهت بود که ایشان روایات را از حافظه اش بدون سند نقل می کرد با علم به این مطلب علماء مرسلاتش را معتبر دانسته اند بلکه به آن روایات رتبه صحاح داده اند.

بدین جهت در اسناد و الفاظ روایات آنان اختلاف واقع شد، آنهایی که به مشکلات و مصائب آن زمان توجه ندارند خیلی روایات را از اعتبار ساقط کردند، خصوصاً روایاتی که حاکی از تمام بلند اهل بیت طاهرین (علیهم السلام) هستند که ظاهر آنها غلو است در حالیکه غلو نیست ولی برای آنهایی که ایمان ضعیفی دارند هضمش مشکل است، لذا آن روایات را رد می کنند. در حالیکه آن روایات غلو نیست، زیرا اهل بیت (علیهم السلام) فرمودند: (انقوا عنا الریه و اولوا ما شئتم)^(۱)

ما را خدا نخواند باقی هر چه خواستد در مقام تجلیل بگوئید اشکالی ندارد. چگونه آیاتی در قرآن کریم است که طاهرش کفر است ولی شما تاویل می کنید مانند: (بل یداه مبسوطتان).^(۲) یا (وجوه یومند) مره الی ربها ناظره)^(۳) و یا (جاء ربک و ملک صفا صفا).^(۴)

چنین اخبار و روایات را تاویل نمی کنید؟ ولی بمرور این که این روایات در نظر شما عجیب آمد و هضمش مشکل بود بضرر قاطع می گوئید که این سخن دروغ و دروغ، در حالی که ائمه اطهار (علیهم السلام) ما را از این کار بشدت منع نموده اند.

اصول کافی در این زمینه یک باب مستقل دارد از آن فقط یک حدیث می آوریم:

(قال ابو جعفر (علیه السلام) قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): ان حدیث آل محمد صعب مستصعب لا یؤمن به الا ملک مقرب أو نبی مرسل أو عبد امتحن الله قلبه للایمان فما ورد علیکم من حدیث آل محمد فلانت به قلوبکم و عرفتموه فاقبلوه، و ما

۲- سوره مائده آیه ۶۴

۱- ارشاد القلوب دیلمی ص ۴۲۷

۴- سوره فجر آیه ۲۲

۳- سوره قیامت آیه ۲۲

اشمأزت منه قلوبكم و أنكروه فردوه الى الله و الى العالم من آل محمد (عليه السلام)، و أنما الهالك أن يحدث أحدكم بشيء منه لا يحتمله، فيقول: (والله ما كان هذا والله ما كان هذا، و الانكار هو الكفر).

امام محمد باقر (عليه السلام) از حضرت رسول اکرم (صلى الله عليه وآله) روایت می کند که آن حضرت فرمود: حدیث آل محمد (عليه السلام) بعض اوقات فهمیدنش سخت و مشکل است و به آن ایمان نمی آورد مگر ملک مقرب یا نبی مرسل یا بنده ای که خدا قلبش را بوسیله ایمان امتحان نمود، است، پس هرگاه که به شما حدیثی از آل محمد (عليه السلام) برسد ببینید که آیا دل شما به آن حدیث مائل شده است و معنایش را می فهمید پس آن را قبول کنید، و اگر دل شما به آن مائل نه شود و عقل شما از آن دوری کند، پس آن را به خداوند متعال و رسولش (صلى الله عليه وآله) عالم آل محمد (عليه السلام) (یعنی امام معصوم) واگذارید، و بدانید که آن شخص بالیقین هادی خواهد شد که پس از شنیدن حدیثی را که عقلش تحمل آن را ندارد، بگوید والله این حدیث دروغ است والله این حدیث دروغ است (بدانکه این شخص قول معصوم را رد نموده است) و قول معصوم را رد نمودن کفر است. (۱)

اعتراضات وارده بر این تفسیر و جوابهای آن

بدان که بر این تفسیر چند اعتراض وارد کرده اند و به همین جهت است که آن را از امام (عليه السلام) صادر شده نمی دانند، اکنون بر ما لازم شده است که قبل از این که به توثیق و تجلیلش بپردازیم، در این اعتراضات دقت کنیم و آنها را پاسخ بدهیم.

(اعتراض اول) همین که در حدیث فوق ذکر شد و جواب این اعتراض را حضرت

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: که بمجرد نفهمیدن یک حدیث آن را رد نه کنید و این کار در حد کفر است، (یعنی کفر تنزیلی نه حقیقی).

(اعتراض دوم) این تفسیر را ابن غضائری قبول ندارد زیرا او گفته است.
 "محمد بن قاسم استرابادی که از او شیخ صدوق این تفسیر را روایت نموده ضعیف و کذاب است" (۱).

(جواب اول) شیخ صدوق (رحمته الله) "صدوق" است. تمام عالم اسلام چه سنی و چه شیعه او را صدوق نایندند چرا "صدوق" نباشد در حالیکه او به دعای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) متولد شده است. بنابر این، او کجا و ابن غضائری کجا؟

(این الأرض من السماء و الثری من الثریا) شیخ صدوق (رحمته الله) آن کسی است که فتوایش بمنزله حدیث صحیح شمرده می شود، از چهار کتاب اساسی مذهب شیعه دومی (من لا یحضره الفقیه) است که از آن ابراهیم بن ایشان سیصد کتاب تألیف نموده اند، آیا چنین شخصی از یک راوی "ضعیف و کذاب" روایت می کند؟ و او را شیخ و استاد خود قرار می دهد؟

ایشان در کتاب خود "من لا یحضره الفقیه" و دیگر کتابهایش این تفسیر روایات اخذ نموده در حالیکه در مقدمه کتاب فقیه گفته است:

"قصدت الی ایراد ما أفتی به و احکم بصحته و أعتقد فیه أنه حجة فیما بینی و بین ربی".

یعنی من در این کتاب (من لا یحضر) هر چه آوردم به آن به حدی یقین دارم که مطابق آن فتوی می دهم و به صحت آن حکم می کنم و اعتقاد دارم که در میان من و خدای من

حجت است.^(۱)

(جواب دوم) این که خود ابن غضائری تعریف و شهرت چندانی ندارد کسی که خودش پایه اش لنگ است نمی تواند دیگری را لنگ بنامد ، علامه مجلسی اول (علیه السلام) می گوید:

"شیخ صدوق (علیه السلام) احوالات رجال و روات را از ابن غضائری بهتر می دانست زیرا که ابن غضائری را علماء توثیق نکرده اند و ما از حال او بی خبریم، بلکه ظاهراً او ورع و تقوی نداشته است."^(۲)

(جواب) پسند این تفسیر منحصر به "محمد بن قاسم استرابادی" نیست، بلکه این تفسیر را حسن بن خالد که نزد نجاشی و علامه ثقه می باشد نیز، نقل نموده است.^(۳) (اعتراض سوم) این که این تفسیر بر منکرات و مطالبی مشتمل است که از شأن امام معصوم بعید است و این اعتراض را استاد ما آیه الله خوئی (علیه السلام) نیز آورده است.^(۴) از ایشان بسیار تعجب است زیرا ایشان با علم و تحقیقش بسیار بالا بود، ای کاش ایشان از آن منکرات یکی را نقل می نمود.

و نیز میرزا ابوالحسن شعرانی صاحب حاشیه مجمع البیان در تفسیر می گوید:

(ان کتتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من مثله)^(۵).

چیزی است که از نقلش حیا مانع و طبیعت از خواندنش مشعری شود.^(۶)

(جواب این اعتراض) باید بگوییم که چنین چیزی در این تفسیر ندیدم شما نیز می

۲ - شرح فقیه فارسی، ۲/۱۳۵ و ۱۴۲.

۱ - من لایحضره الفقیه، ۳/۱.

۴ - معجم رجال حدیث، ۸۴۷/۱۲.

۳ - مستدرک الوسائل، ۳/۶۶۱.

۵ - سوره بقره آیت، ۲۳.

۶ - خاتمه تفسیر امام عسکری (علیه السلام) ص ۷۲۰ ط ابطحی.

توانید ببینید ما چاپ علامه ابطحی و چاپ اندیمشکی رانیز دیدیم در هر دو چاپ در ذیل تفسیر آیه فوق چیز بدی وجود نداشت.

اکنون ما آن علمای فحول و اساطین اصول را ذکر می کنیم که آنان این تفسیر را تصدیق و تأیید نموده اند و در مقابل آنها ابن غضائری و امثالش جایگاه و مقامی ندارند.

(اول) شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه قمی (ره) مؤلف کتاب "من لا یحضره الفقیه"، کتابی توحید و عیون و اکمال و امالی و علل و معانی و غیره می باشد. (۱) شیخ عباس قمی (ره) در شأن ایشان می فرماید:

"شیخ صدوق، منة المحدثین و صدوق در نقل روایات از ائمه طاهرین (علیهم السلام) می باشد، علی حضرت بقیه الله فی الارضین متولد شده و بدین سبب فضل عظیم و فخر جسیم عائدش گشته است.

ابن ادريس (ره) می گوید: شیخ صدوق، جلیل القدر، بصیر در اخبار، ناسقذ الآثار عالم احوال الرجال بود و استاد شیخ عید (ره) بود.

علامه حلی (ره) نقل می کند که: شیخ صدوق (ره) شیخ ما و فقیه و وجه الطائفة بود، شیوخ و بزرگان طائفة شاگرد آن بزرگوار بودند، با وجود کم سنی جلیل القدر و حافظ اخبار و روایات بود، و رجال حدیث را خوب می شناخت و در نقد و ادراک حدیث دانا و ماهر بود حدیث صحیح را از ناصحیح تشخیص می نمود و در میان محدثین قم در حفظ احادیث و کثرت علم مانند او دیده نشده، در سال ۳۸۱ در ری وفات نمود. (۲)

در سال ۱۲۳۸ ه ق قبر شیخ صدوق خراب شد و جسدش نمایان شد همه دیدند که پس از هشت صد سال هنوز جسدش صحیح و سالم بود حتی روی ناخنها و ریش

۱ - خاتمه تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) ص ۷۲۱.

۲ - کنی والالقباب، ۲۱۷/۱.

مبارکش رنگ حنا باقی بود.^(۱)

حال شما انصاف کنید کسی که به دعای امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) متولد شده و در نقل و نقد حدیث به لقب "صدوق" مفتخر گشته و در شناخت حدیث صحیح ماهر و ناقد و صاحب نظر بوده و فتوای او بمنزله حدیث صحیح شمرده می شود و جسدش معجزه باشد، او به این تفسیر اعتماد نموده و در کتابهای خود به روایات آن تمسک کرده آنگاه چگونه می توان این تفسیر را از اعتبار ساقط نمود و بگوئیم این تفسیر از امام حسین (علیه السلام) نیست بلکه به ایشان منسوب است!..

(دوم) کسی که این منیر را تصدیق نموده و از روایات آن در کتابهای خود استفاده نموده شیخ احمد بن علی طبرسی (رحمته الله) صاحب کتاب "احتجاج طبرسی" است و کلام و کتاب ایشان مدرک همه مجتهدین کرام و مراجع عظام می باشد، ایشان در همین کتاب خود توقع مبارک امام زمان (علیه السلام) را آورده که می فرمایند: "و أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا فانهم حجتى عليكم وأنا حجة الله عليهم"^(۲) به جهت این حدیث است که مردم رفقه ای ما تقلید می کنند.

(سوم) علمای عظام این تفسیر را معتبر دانستند و آن را مدرک خود قرار داده اند علامه قطب الدین راوندی (رحمته الله) صاحب کتاب "خراج راجح" ایشان در همین کتاب خود کثیری از احادیث این تفسیر را آورده، علامه شیخ عباس قمی (رحمته الله) درباره قطب الدین راوندی می فرماید: "كان من اعظم محدثي الشيعة"

از بزرگان محدثین شیعه بود در سال ۵۷۳ ه. ق وفات کرد و قبر ایشان در قم نزد حرم حضرت معصومه (علیها السلام) معروف است.^(۳)

(چهارم) حافظ ابو جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب (رحمته الله) فخر شیعه و مروج

۱ - کتاب لافانی اجسام، ص ۱۲۶، ترجمه اجساد جاویدان تألیف علامه مهدی پور.

۲ - کنى والالقب ۶۳/۳

۳ - ج ۲ ص ۲۸۳.

شریعه محیی آثار مناقب و فضائل و بحر متلاطم علوم آل اطهار (علیهم السلام)، شیخ مشایخ امامیه و مؤلف "مناقب آل ابی طالب" و "معالم العلماء" می باشد، آن قدر علم ایشان بالا و مقامش اعلی بود که فحول علمای اهل سنت نیز علم و فضل شان را اعتراف نموده اند.

صفدی (یکی از علمای اهل سنت) می گوید: ایشان در سن هشت سالگی اکثر قرآن را حفظ نمود، و طالبان علوم از شهرهای دور و نزدیک برای کسب فیض از محضر ایشان سفر می کردند، بهی "منظر و حسن الوجه و صدوق الهجه بود، در خشوع و عبادت پروردگار ممتاز و ممتاز باه منو بود، شیخ عباس قمی (رحمته الله) پس از بیان مطالب فوق در مدح ایشان این اشعار را سروده، بخشی آن تکتب بالنور علی وجنات الحور و هو هذا:

هو البحر لابل دون ما علمه البحر	هو البدر لا بل دون طلعت البدر
هو النجم لابل دونه النجم رتبه	هو الدر لا بل دون منطقه الدر
هو العالم المشهور فی الدهر و الذی	به بین ادب اب النهی افتخر الدهر
هو الکامل الاوصاف فی العلم و التقی	فطاب به منی کل ما قطر الذکر
محاسنه جلت عن الحصر و ازدهی	بأوصافه نظم بق سائد و النشر

سال ۵۸۸ در سن صد سالگی وفات نموده و قبر ایشان در شام خارج شهر حلب نزد "مشهد السقط" واقع شده است. (۱)

قابل توجه اینکه ابن شهر آشوب (رحمته الله) بر تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) خیلی اعتماد داشته و در کتابش "مناقب" در چند مورد روایاتی را از تفسیر آن حضرت نقل نموده است و در کتاب دیگر خود "معالم العلماء" آورده که: حسن بن خالد برقی

برادر محمد بن خالد برقی از کتابهای او "تفسير العسکری" است و آن را حضرت امام حسن عسکری (عليه السلام) در ۱۲۰ مجلد املاء نموده بودند.^(۱)

از این عبارت دو امر ظاهر میگردد:

(یک) اینکه سند این تفسیر همان گونه که سابقا اشاره شد، به محمد بن قاسم استرآبادی منحصر نیست، بلکه این را حسن بن خالد برقی تقه نیز نقل نموده است و ایشان را نجاشی و علامه هر دو توثیق نموده اند.

(دوم) اینکه تفسیر امام حسن عسکری (عليه السلام) به این اختصار نیست بلکه دارای یکصد و بیست و یک باب و از ظلم و ستم روزگار همان گونه که صدها کتابهای گران قیمت شیعه نیز سواد روزگار تلف شدند این هم تلف شد.

(سوم) علامه محمدرضا شیخ علی کرکی (رحمته الله) این تفسیر را تصدیق نموده است، ایشان اجازه ای را که به قاضی صفی "ابن عیسی" داده در آن می فرماید:

"الآن من تبرکاً و تیمناً بکتابنا یث بیان می کنم از آن احادیثی که سندش متصل به امام (عليه السلام) میباشد پس از آن می گوید: مرا خبر داد شیخ من علامه ابوالحسن علی بن هلال سپس این سند را امام (عليه السلام) دهد تا به شیخ صدوق (رحمته الله) می رساند و سپس می گوید: ایشان نقل می کنند از محمد بن قاسم مفسر جرجانی از یوسف بن محمد و علی بن محمد از پدر خود فرمود: مولی من و مولای کل جهان ابومحمد امام حسن عسکری (عليه السلام) و ایشان از پدران بزرگوارشان که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به بعضی از اصحابش فرمود: یا عبدالله برای خدا دوستی کن و برای خدا دشمنی کن (سپس این حدیث را تا آخر ذکر می کند سپس می گوید: این حدیث بعینه و با همین سند در تفسیر امام حسن عسکری (عليه السلام) و معانی الاخبار و عیون الاخبار

و علل الشرایع از تألیفات شیخ صدوق (ره) آمده است.^(۱)
 (ششم) شهید ثانی زین الدین علی بن احمد عاملی جبعی (ره) صاحب شرح لمعه و منیه المرید در آخرش فرمود:

"فصل من تفسیر العسکری فی قول الله تعالی (و اذ اخذنا میثاق بنی اسرائیل لا تعبدون الا الله و بالوالدین احساناً)."^(۲)

هر آن چه را که آورده در تفسیر امام عسکری (علیه السلام) ص ۳۲۶ چاپ ابطحی موجود است.

و در اجازه ای که به "شیخ حسین بن عبد الصمد" داده آنجا نیز ذکر نموده که:

عن المفید عن الصدوق فار: حدثنا محمد بن قاسم الجرجانی.^(۳)

(هفتم) مجلسی اول شیخ محمد باقر (ره) در کتابش "روضه المتقین" آورده که:

"شیخ صدوق به مفسر اسرار آبادی اعتماد نموده و ایشان شیخ او بود، پس هر چه را که ابن غضائری آورده و گفته باطل است، و این توهم که مانند این تفسیر قابلیت ندارد که به معصوم منسوب باشد غیر قابل قبول و مردود است بجهت این هر کسی که به کلام ائمه طاهرین (علیهم السلام) آشنا باشد، می داند که این کلام آنان است، شیخ ما شهید ثانی (ره) به این کتاب اعتماد نموده و از این کتاب روایات زیادی در کتابهایش نقل نموده مانند شیخ صدوق (ره) و اعتماد به این کتاب نافی است"^(۴) و در کتاب دیگرش (شرح فقیه فارسی) می گوید:

این حدیث (یعنی حدیث تلبیه) را اخذ نمودیم از تفسیر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) و آن را روایت کرده شیخ صدوق (ره) به سه واسطه فقط و او

۱ - بحار الانوار ج ۱۰۵ و مستدرک ج ۳ ص ۶۶۱، و این حدیث در تفسیر امام حسن عسکری ص ۴۹ چاپ ابطحی

۲ - سوره بقره آیه ۸۳

نیز موجود می باشد.

۴ - روضه المتقین ج ۱۴ ص ۲۵۰.

۳ - بحار الانوار ج ۱۰۵ ص ۱۶۹.

روایت نموده از استادش محمد بن قاسم و او روایت نموده از اساتذه‌اش، چونکه شیخ صدوق با محمد بن قاسم معاشر بود ممکن است که با اساتذه او نیز معاشرت داشته باشد از این رو به این روایت آنقدر یقین پیدا نموده که گفته: این حجت است بین من و خدای من و یقیناً شیخ صدوق از اساتذه‌اش بیشتر آگاه بود، ابن غضائری که او را علماء بصراحت توثیق نه کرده‌اند و حالش نیز معلوم نیست بلکه ظاهراً او دارای ورع نبوده و هر آن کسی که ارتباط کمی با کلام معصومین داشته باشد بالیقین قبول خواهد کرد که این تفسیر از معصوم است.

"این تفسیر را شیخ صدوق از استادش محمد بن قاسم نقل نموده و از ایشان بواسطه فحول علماء و ثقاة محدثین به ما رسیده و چنین سندی را محدثین از اعلی سند می‌شمارند".

و علامه مجلسی اول (تذکره) در آن خرد لامش می‌فرماید:

والحقیقة ان التفسیر کثر من کثر الله سبحانه و تعالی و ان شاء الله لا یفوتنا شیئی منه و سنذکره کله فی مجمع البحرین".

یعنی این تفسیر در حقیقت یک خزانه‌ای از گنجینه‌های خداوند سبحانه و تعالی است و انشاء الله از این تفسیر چیزی را فروگذار نخواهیم گذاشت و همه را در کتاب "مجمع البحرین" ذکر خواهیم کرد.^(۱) متأسفانه کتاب "مجمع البحرین" مذکور بدست ما نرسیده و آن چه رسیده در لغت تألیف علامه طریحی ۱۰۸۵ (ه.ج) است.

(هشتم) علامه مجلسی دوم، ملا باقر بن محمد تقی صاحب موسوعه "بحار الانوار" این تفسیر را معتبر شمرده و از آن استفاده نموده، ایشان در بحار می‌فرماید:

"کتاب تفسیر امام عسکری (علیه السلام) از کتب معروفه می‌باشد و شیخ صدوق (رحمته الله) به آن اعتماد نموده و در تألیفات خود از روایات آن استفاده نموده اگر

چه بعض محدثین در روایات این تفسیر اشکال کرده‌اند ولی شیخ صدوق (رحمه الله) اعلم و با خبرتر و نزدیک تر به آنها از آن کسانی که اشکال کرده‌اند، می باشد با علم به این که اکثر علماء از این تفسیر استفاده نموده‌اند و روایات آن را بدون اشکال در کتابهای شان درج نموده‌اند.^(۱)

(نهم) شاگرد رشید علامه مجلسی محدث کبیر علامه سید نعمه الله جزائری (رحمه الله) جد ما نیز از این تفسیر استفاده نموده و هیچ اشکالی نه گرفته‌اند، ایشان در کتاب "قصص الانبیاء" در صفحه ۵۵۵ میفرمایند:

و فی تفهیر الـ بحری (علیه السلام) قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): یا عباد الله ؛ ان قوم عیسی (علیه السلام) لما سالوا ان نزل مائدة من السماء (قال الله انی منزلها علیکم فمن کفر بعد فانی أعذبه عذاباً لا أعذبه أحدًا من العالمین) فأنزلها علیهم فمن یکفر منهم بعد ذلك مسخه الله اما خنزیراً و اما دباً و اما ثوراً و اما دجاً و اما هراً و اما علی صورة بعض الطيور و الدواب التي فی البر و البحر حتی من دعا علی أربعائة نوع من المسخ .

قوم عیسی (علیه السلام) هنگامیکه سؤال کردند که ای عیسی ؛ از خدای خود بخواه که از آسمان مائده ای برای ما نازل کند (خدا در جواب آنان فرمود: من این مائده را نازل می کنم ولی پس از آن اگر ایمان نیاوردید آنگاه بر شما سداب نازل خواهم نمود که بر هیچ کسی در جهان نازل نکرده باشم.^(۲) پس از آن خدا این مائده را بر است عیسی نازل نمود ولی باز هم بعضی از آنان کافر ماندند، آنگاه بود که خدا آنها را مسخ نمود بصورت خنزیر یا میمون یا خرس یا گربه و یا بصورت پرندگان (شکاری) و حیوانات زمینی و دریائی تا اینکه آنها را بصورت چهار صد گونه از حیوانات مختلف مسخ نمود.^(۳)

سید جزائری علیه الرحمه این روایت را از تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) نقل نمود

۲ - سوره مائده، آیه ۱۱۵.

۱ - بحار الانوار ج ۱ ص ۲۸.

۳ - تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) ص ۵۶۵، ابطی.

پس معلوم شد که این تفسیر نزد ایشان نیز غایت اعتبار را دارد زیرا در این روایت مذمت امت حضرت عیسی (علیه السلام) است که قدر نعمت خدا را ندانستند ناشکری کردند و در نتیجه به بدترین عذاب الهی دچار شدند، اگر مبنای این روایت قوی و معتبر نباشد این اتهام است و ایجاد فساد و فتنه گری می کند و یک قوم را بوسیله پایه سست بدنام می کند و این چیزی است که شخصی مانند سید جزائری (رحمته الله) آن را هرگز انجام نمی دهد.

(دهم) فی النحول و مدار العقول علامه محمد بن حسن حر عاملی (رحمته الله) صاحب موسوعه "وسائل السیئه" و "اثبات الهداة" در کتاب نخست خود می گوید:

ما در این کتاب روایت می کنیم از تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) بسند متصل به شیخ ابو جعفر اسی از شیخ مفید از شیخ صدوق از محمد بن قاسم مفسر استرآبادی از یوسف بن محمد بن زبیا و علی بن محمد بن سیار که شیخ صدوق و طبرسی گفتند: این هر دو بزرگوار شیخ را پایه بودند و آنان روایت کردند از پدران خود و آنان نیز از امام حسن عسکری (علیه السلام) که این آن تفسیر نیست که بر آن بعضی علماء رجال اشکال گرفته اند به جهت این که آن تفسیر از امام علی نقی (علیه السلام) است و این تفسیر از امام حسن عسکری (علیه السلام) می باشد، زیرا دیگر این تفسیر این که آن تفسیر را سهل دیباجی از پدر خود نقل می کند و در این تفسیر از آن ذکر این دو نفر نیست، فرق سوم این که در آن تفسیر بعضی روایات منکر است و قابل قبول نیست و این تفسیر از منکرات خالی و عاری است و چگونه ممکن است که در این تفسیر منکرات باشد در حالیکه بر این رئیس المحدثین ابن بابویه شیخ صدوق (رحمته الله) اعتماد نموده است، ایشان از این تفسیر احادیث زیادی را نقل نموده و در کتابش "من لایحضره الفقیه" و دیگر تالیفات خود نیز و همانطور علامه طبرسی و دیگر علمای

مانیز از این تفسیر روایات زیادی اخذ نموده‌اند.^(۱)

برای اعتبار این تفسیر همین بس که شیخ حر عاملی (رحمته الله) این را از منابع و مآخذ خود "وسایل" قرار داده و با علم به این که کتاب "وسائل" کتابی است که مدرک هر مرجع و مجتهد می باشد و تکیه به آن آنها فتوی می دهند .

(یازدهم) علامه ربانی ملا فیض کاشانی (رحمته الله) صاحب تفسیر صافی و موسوعه وافیه است، نیز در تفسیرشان مطالب تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) را آورده و بر آن اعتماد نموده.

(دوازدهم) علامه نورانی سید هاشم بحرانی (رحمته الله) صاحب تفسیر شهیر "البرهان" می باشد ایشان نیز در "تفسیر البرهان" همه روایات را تقریباً از تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) آورده است .

(سیزدهم) عبد العلی بن جمعه حوری صاحب تفسیر "نور الثقلین" نیز بر این تفسیر اعتماد نموده و روایات آن را در کتابش آورده است.

(چهاردهم) مولی محمد جعفر خراسانی (رحمته الله) صاحب کتاب "اکلیل الرجال" در آن می فرمایند: اصحاب ما روایات این تفسیر را اخذ کرده‌اند، مانند ابن بابویه و غیره ملتزم شده‌اند که در کتابهای خود ذکر نمی کنند بجز احادیث صحیحی که از ائمه اطهار (علیهم السلام) صادر شده باشد.^(۲)

(پانزدهم) سید حسین بروجردی (رحمته الله) صاحب "نخبة المقال" در آن گفته‌اند:

ثم ابن قاسم مفسر حسن تضعیف "غض له ضعيف موتهن".^(۳)

(شانزدهم) آیه الله سید حسین بروجردی (رحمته الله) صاحب "جامع احادیث شیعه

۱ - وسایل الشیعه ج ۲۰، ص ۵۹.

۲ - خاتمه تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) ص ۷۲۷ ط ابطحی .

۳ - نخبة المقال ص ۹۴.

"تفسير امام حسن عسكري (عليه السلام) را از مآخذ اين قرار داده .
 (هفدهم) حجة الاسلام تبریزی صاحب کتاب "صحيفة الابرار" در اين کتاب خود گفته:
 "در اين کتاب (تفسير امام عسكري (عليه السلام) هيچ عيب و ريب نيست علماء از
 اولين و آخرين بر اين کتاب اعتماد کرده اند و اشکال ابن غضائري به اين که در اين
 کتاب منکرات است، حجت نيست بلکه غلط و مردود است، منشأش ضعف در
 تحقيق است".^(۱)

(هجدهم) شيخ مرتضى انصاري (رحمته الله) صاحب کتاب رسائل و مکاسب در اول مبحث
 حجيت خبر واحد بعد از نقل يك روايت از کتاب احتجاج می گوید:
 "اين حديث را طبعی از تفسير امام حسن عسكري (عليه السلام) نقل نموده است،
 و از اين آثار صدق کلام پديد است، اين دلالت می کند جواز قبول قول کسی که
 مردم او را به اين صفت می شناسند که او از دروغ گفتن اجتناب میکند الخ"^(۲)
 (نوزدهم) محقق نورانی شيخ عبدالقادر اعفانی (رحمته الله) صاحب موسوعه "تنقيح
 المقال" گفته :

"هر کسی که به احاديث ائمه اطهار (عليهم السلام) دنی بطلی داشته باشد يقين دارد
 که اين تفسير از کلام معصوم (عليه السلام) است".^(۳)

(بيستم) خاتمة المحدثين ميرزا حسين نوري (عليه السلام) استاد شيخ عباس قمي و آقا بزرگ
 تهرانی (رحمهم الله تعالى) ايشان در "مستدرک" مفصلاً بابت اين تفسير بحث نموده و
 اين را از کتب معتبر قرار داده.^(۴)

(بيستم و يکم) خاتمة المحققين و عارف المؤلفين آقا بزرگ تهرانی (عليه السلام) صاحب
 موسوعه "الذريعة الى تصانيف الشيعة" ايشان در نجف اشرف معاصر بنده و مجيز ما

۲ - فرائد الاصول ص ۷۶ .

۱ - صحيفة الابرار، ص ۳۹۴ و ۴۹۴ .

۴ - خاتمة تفسير امام حسن عسكري (عليه السلام) ص ۷۳۲ .

۳ - تنقيح المقال ج ۳ ص ۱۷۵ .

بود از ایشان بهتر کسی متنبع و محقق نه دیدم ، ایشان در " ذریعه " می فرماید:

" برای اثبات اعتبار " تفسیر عسکری " شیخ ماعلامه نوری در خاتمه "

المستدرک " مفصل گفتگو کرده و گفته است که بر این تفسیر شیخ صدوق در فقیه و دیگر تألیفاتش و طبرسی در احتجاج و ابن شهر آشوب در مناقب و محقق کرکی در اجازه اش که به صفی الدین داده و شهید ثانی در منیه المرید و مولی محمد تقی مجلسی در شرح مشیخه و فرزندش علامه مجلسی در بحار و دیگر علماء بر این تفسیر اعتماد کرده اند (و در حاشیه ذریعه) می فرماید : بدان که طریق صدوق به این تفسیر منحصر به محمد بن قاسم نیست که او را ابن غضائری مخدوش کرده است بلکه صدوق به این تفسیر یک طریق دیگر هم در امالی ص ۱۰۵ ذکر نموده است و آن این است : از محمد بن علی استرآبادی گفت به من گفته است یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن ساء (۱) :

اینها اساطین علم و تحقیق و سلاطین کتابها ، جدید و عتیق هستند که تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) را تأیید و تصدیق کرده اند و به آن عمل کرده اند بعد از تأیید آنان از عمل کردن به این تفسیر بی نظیر چه باک داریم .

یک مطلب بسیار مهم که باید مورد توجه واقع شود

اکنون ما با توکل به خدا یک ادعای بزرگتر می کنیم و پا را فراتر می گذاریم و در مقام اثبات حجة این تفسیر بحول الله و قوته مطلبی می گوئیم که از سابقین هیچ کس متوجه آن نشده و آن این است :

اگر تفسیر از امام حسن عسکری (علیه السلام) نباشد بر نبوت حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و بر ولایت حضرت علی مرتضی (علیه السلام) اشکال وارد می شود که

جوابش مشکل است .

اما اشکال اول : بر نبوت حضرت محمد مصطفی (ﷺ).

در میان سنی و شیعه اتفاق است که وفات حضرت رسول اکرم (ﷺ) به علت آن زهری واقع شد که یک زن یهودیه بوسیله دست بریان شده گوسفند پس از فتح خیبر به آن حضرت (ﷺ) داده بود و آن حضرت از آن گوشت بریان شده کمی چشیده بود، ولی همین زهر بمرور ایام تدریجاً اثر کرد تا این که حضرت را از پا در آورد و آن حضرت به سبب آن در وفات یافت ، حال ببینید شیخ المحققین شیخ عباس قمی (ره) در کتاب مشهورشان "متهی آمال" چه می گوید:

"در احادیث معتبره وارد شده است که آن حضرت بشهادت از دنیا رفت، چنانکه صفار بسند معتبر از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده است که آن حضرت را در روز خیبر بوسیله گوشت دست بزغاله دادند تا آن حضرت لقمه‌ای تناول فرمود آن گوشت بسخن آمد و گفت: یا رسول الله! مرا به زهر آلوده نموده‌اند، پس حضرت در مرض موتش می فرمود: امروز بنیت مرا در هم شکست آن لقمه‌ای که در خیبر تناول کردم هیچ پیغمبر و وصی پیغمبر نیست مگر آنکه بشهادت از دنیا بیرون می رود.

و در روایت دیگر فرمود که زن یهودیه آن حضرت را زهر داد در ذراع گوسفند و چون حضرت قدری از آن را تناول فرمود آن ذراع زهر داد که من به زهر آلوده‌ام پس حضرت آن را انداخت و پیوسته آن زهر در بدن آنحضرت اثر می کرد تا این که بهمان علت رحلت فرمود".^(۱)

شما ببینید آثار خلاف واقع بودن این حکایت صاف پیدا است زیرا اگر آن ذراع به اعجاز آن حضرت گویا شده بود پس چرا زودتر به حرف نیامد! و زودتر خبر نداد! تا

رسول الله از آن غذا نمی خورد در حالیکه این روایت دنباله هم دارد و آن این است، زمانیکه رسول خدا (ﷺ) از آن زن پرسید که چرا این کار را کردی! گفت می خواستم ببینم که شما رسول خدا به راستی هستید یا دروغ میگویید، اگر رسول خدا به راستی هستی خودتان می فهمید که این غذا مسموم است زیرا رسول حقیقی خدا از همه چیز خبر دارد، در این زمینه روایت ذیل را نیز بخوانید که از یک کتاب سنی بنام "معارج النبوه" تألیف ملا معین کاشفی می باشد:

"در صباح اخبار آمده که چون قلاع خیبر فتح شد، زینب بنت حارث یهودی که خواهر زاد، (بدر زنا، ص) مرحب بود، پس از آن که معلوم کرد که حضرت رسالت (ﷺ) گوشت دست و شانه گوسفند را دوست دارد بزغاله ای را ذبح نموده و زهر در ذراع و دو کتف آن آغشته نمود سپس آن را بریان ساخت و بهنگام شام برسم هدیه نزد حضرت (ﷺ) آورد. حضرت به یاران حاضر فرمود: بیائید تا عشا تناول کنیم، گوشت بریان بزغاله را از من جدا کردند پیغمبر (ﷺ) از گوشت ذراع لقمه ای برداشت در دهان مبارک نهاد چون به هضم آن مشغول گشت در اثنای آن به اصحاب رو نموده فرمود: دست از خوردن این طعام باز دارید چونکه این گوشت بمن می گوید که مرا به زهر آلوده اند، بشر بن البراء (رضی الله عنهما) که لقمه ای از آن گوشت بریان خورده بود گفت: یا رسول الله (ﷺ)! من در دستم خوردن کراهتی و نفرتی احساس کردم خواستم که از دهان بیرون افکنم اندیسیدم که مبادا از خوردن طعام منقبض گردید، در همین اثنا رنگ و روی بشر پیش از آنکه بر خیزد سبز سپس سیاه شد بعد از آن یک سال بیماری کشید و پس از آن فوت کرد و بروایتی در همان لحظه فوت کرد، به امر رسول خدا (ﷺ) زینب و رؤسای یهود را حاضر کردند، حضرت فرمود: در این بزغاله زهر آلوده بودید! زینب در جواب حضرت گفت: آری؛ من با جرئت اقدام به این کار کردم، حضرت (ﷺ) فرمود:

باعث این که چنین کردی چه بود؟ زینب جواب داد: تو پدر و شوهر و عم مرا کشتی من با خود گفتم اگر شما در دعوی نبوت خود کاذبی با خوردن گوشت زهر آلود خلائق از تو خلاص خواهند شد و اگر صادقی حق عز و علا تو را از این حال آگاه خواهد کرد و مضرتی به تو لاحق نخواهد شد، هنگامیکه حضرت از آن زن این کلام را شنید و او را معاف فرمود^(۱).

تقریباً همین نمونه در سایر کتب اهل سنت و شیعه موجود میباشد، حال خودتان انصاف کنید، حکامیکه بر رسول الله (ﷺ) این زهر اثر کرد و نتیجتاً همان زهر آنحضرت را از پا درآورد پس سخن آن زن یهودیه ثابت شد! آن وقت عاقبت نبوت رسول الله چه می شود؟

(جواب)

ردّ این اشکال قوی بر مقام والای نبوت شما نمی یابی مگر در تفسیر امام حسن عسکری (ﷺ) زیرا تنها این تفسیر است که دروغ بودن این روایت را ثابت نموده است و از اصل حقیقت ماجرا نقاب گشائی کرده است. در این تفسیر آمده است که حضرت رسول الله (ﷺ) از زمان کودکی بحدی مصون من الله بود که هیچ وقت غذای حرام نمی خورد، بعض اوقات قوم یهود برای آزمایش آن حضرت حرامی شان مرغ یا گوشت بریان از گوسفند مردار می گذاشتند حضرت دست می کشید و آن را ابدان نمی خورد و می فرمود که: "این میته است من نمی خورم"^(۲).

اما اصل حکایت زن خیبریه که مشتمل بر اعجاز پیغمبر اسلام علیه آلاف التحية و السلام و مقام بلند حضرت امیرالمؤمنین (ﷺ) است آن را نیز این تفسیر مفصلاً ذکر نموده است و آن این است که آن صحابی بغیر اجازه پیامبر آن گوشت بریان را خورد

۱ - معارج النبوت ص رکن چهارم ص ۲۲۴ و ۳۴۱ چاپ لکهنؤ (هند).

۲ - تفسیر امام حسن عسکری (ﷺ) ص ۱۶۰ ط ابطحی.

باعث این که چنین کردی چه بود؟ زینب جواب داد: تو پدر و شوهر و عم مرا کشتی من با خود گفتم اگر شما در دعوای نبوت خود کاذبی با خوردن گوشت زهر آلود خلائق از تو خلاص خواهند شد و اگر صادقی حق عز و علا تو را از این حال آگاه خواهد کرد و مضرتی به تو لاحق نخواهد شد، هنگامیکه حضرت از آن زن این کلام را شنید و او را معاف فرمود^(۱).

تقریباً همین مضمون در سائر کتب اهل سنت و شیعه موجود میباشد، حال خودتان انصاف کنید، منگامیکه بر رسول الله (ﷺ) این زهر اثر کرد و نتیجتاً همان زهر آنحضرت را از پا درآورد پس سراسر آن زن یهودیه ثابت شد! آن وقت عاقبت نبوت رسول الله چه می شود؟

(جواب)

ردّ این اشکال قوی بر مقام والای نبوی شما نمی یابی مگر در تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) زیرا تنها این تفسیر است که دروغ بودن این روایت را ثابت نموده است و از اصل حقیقت ماجرا نقاب گشائی کرده است. راین تفسیر آمده است که حضرت رسول الله (ﷺ) از زمان کودکی بحدی مصون من الله بود که هیچ وقت غذای حرام نمی خورد، بعضی اوقات قوم یهود برای آزمایش آن حضرت - بلوغ، شان مرغ یا گوشت بریان از گوسفند مردار می گذاشتند حضرت دست می کشید و آن را نخورد و می فرمود که: "این میته است من نمی خورم"^(۲).

اما اصل حکایت زن خیبریه که مشتمل بر اعجاز پیغمبر اسلام علیه آلاف التحية والسلام و مقام بلند حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) است آن را نیز این تفسیر مفصلاً ذکر نموده است و آن این است که آن صحابی بغیر اجازه پیامبر آن گوشت بریان را خورد

۱ - معارج النبوت ص رکن چهارم ص ۲۲۴ و ۳۴۱ چاپ لکهنؤ (هند).

۲ - تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام) ص ۱۶۰ ط ابطحی.

در حالیکه حضرت علی (علیه السلام) او را منع کرده بود ولی آن شخص بفرمان ایشان اعتنا نکرد و در نتیجه خوردن آن گوشت مرد ، خلاصه اصل حکایت واقعی چنین است که آن زهر بر رسول الله اصلاً اثر نکرد و حضرت قبل از تناول نمودن این کلمات را بر آن غذا خواند :

"بسم الله الرحمن الرحيم ، بسم الله الشافي بسم الله الكافي بسم الله المعافي بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء ولا داء في الارض ولا في السماء وهو السميع العليم".

آن زمان بود که آن زهر نه تنها به رسول الله (صلی الله علیه و آله) اثر نکرد بلکه حضرت به دیگر صحابه نیز فرمود که شما هم بیایید از این غذا بخورید آنها هم مشغول به خوردن شدند و به هیچ کس صدمه ای نرسید ، این حکایت در صفحه ۳۳۳۴ جلد اول همین کتاب مسطور است آن را حتماً بخوانید.

(یک سوال مهم)

این جا سؤالی پیش می آید و آن این است که کتاب تاریخ چرا صورت واقعه را تغییر دادند و مسئولیت وفات پیامبر را بر سرزن یهودیه انداختند ؟

(جواب) این است که مؤرخین چونکه محبت آن افراد را داشتند رسول الله (صلی الله علیه و آله) را فی الواقع زهر داده بودند لذا خواستند که برکارشان پرده پوشی دهند ، شیعه هم از راه تقیه آن را دنبال کردند ، برای تفصیل به کتابی که تازه در این موضوع بچاپ رسیده بنام "هل اغتيل النبي" را مطالعه فرمایید.

(اشکال دوم)

بر ولایت مولای کائنات حضرت علی (علیه السلام)

اشکال دوم این است که ما اعتقاد داریم که خداوند جل و علا چونکه ارحم الراحمین

است لهذا بروز قیامت به برکت ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) همه شیعیان را می بخشد ولی این دایره بخشش فقط آن گنهکاران را می گیرد که در مقابل گناهانشان اعمال خیر هم داشته باشند خصوصاً حق الناس را خدا نمی بخشد، اگر کسی شخصی را قتل کرده باشد یا مال او را خورده باشد، خدای متعال برای او کاری نمی کند، و بدیهی است که چنین افراد بی حد و بی حسابند، آن چه کسی است که غیبت نه کرده باشد و یا مؤمنی را اذیت نه کرده باشد، به پدر و مادر جسارت نکرده باشد؟

چنین اشخاص بسیارند، بنابر این اکثر مردم جهنم می روند آنگاه آنها حق دارند بگویند که: دوستی علی (علیه السلام) به چه درد ما خورد در دنیا هم ما از دست دشمنان علی (علیه السلام) انواع و اقسام عداوت و عذابها و اذیتها دیدیم و در آخرت نیز جهنم نصیب ما شد ای وای خاک بر سرمان!

جواب این اعتراض نیز در این مسیر به احسن وجه داده شده است، خلاصه اش این است که خدای رحیم و کریم به آنها خواهد فرمود: آیا شما در این میدان محشر دوستی آشنائی نه دارید که در این وقت مصیبت به داد شما برسد و از اعمال حسنه خود چیزی به شما بدهد تا جبران گناهان و معاصی شما شود؟! اگر دارید او را صدا کنید؛ آنگاه آنها فریاد خواهند زد: کسی است که مرا بشناسد و به داد ما برسد! آن گاه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به استغاثه آنها جواب خواهند داد و خواهند فرمود:

"لیک لییک أیها الممتحن فی محبتی المظلوم بعداوتی"

آن زمان شیعیانی که اعمال حسنه دارند همه اعمال حسنه خود را در محبت حضرت علی (علیه السلام) به این گنهکاران می بخشند بعدی که دامن شان از عمل خیر خود خالی خواهد شد آنگاه خداوند متعال به آنها خطاب خواهد نمود که اکنون شما به چه اعمالی جنت خواهید رفت! زیرا که شما از تمام اعمال حسنه خود تهی دامن شده اید، آنها رو به امیرالمؤمنین نموده خواهند گفت: یا علی! اکنون شما به داد ما برسید

حضرت خواهند فرمود: شما از من چه می خواهید؟ آنها خواهند گفت:
 "یا علی ما فقط ثواب یک نفس شما را می خواهیم آن زمانیکه شما بر بستر
 پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای نجات دادن آن حضرت خوابیده بودید"
 اکنون خدای متعال آنها را چه خواهد داد روایت مفصل است، خواهش می کنم آن را
 حتماً در این کتاب در صفحه ۲۴۶ و ۲۴۸ جلد اول بخوانید.

بنده برای داماد حجة السلام و المسلمین جناب آقای انوارالکاظم حسینی زادت
 توفیقاته دعا می کند که ایشان این کتاب مستطاب را به قالب زبان فارسی در آورند تا
 نفیض بیشتر از پیشتر شود و این برای فرزندانم آقای سید امیر جزایری (حفظه الله تعالی)
 دعای خیر می کنم بهمت والای ایشان این کتاب به زیور طبع آراسته گردید.
 امیدوارم خدای رحیم و کریم هر دو را جزاء جزیل و اجر جمیل و عمر طویل با برکت
 عنایت بفرماید.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین و به نستعین .
 کتبه قليل البضاعة كثير الاضاعة السيد عيب المي سوي الجزائري
 في عش آل محمد (عليه السلام) قم المشرفة ۱۱ محرم الحرام ۱۴۳۶

فهرست مطالب

۲۳	«مقدمه»
۳۱	فضیلت قرآن
۳۵	«فضیلت عالم در تأویل قرآن و رحمت خداوند بر آن عالم»
۳۷	«آداب تلاوت قرآن»
۳۷	«بسته شدن تمام درها به مسجد پیامبر ﷺ جز در خانه حضرت علی علیه السلام»
۴۹	«سوره حمد»
۴۹	«شروع هر کار با بسم الله الرحمن الرحيم»
۶۳	«فضیلت سوره حمد»
۶۵	«تفسیر حمد»
۶۷	«فضیلت و برتری امت حضرت محمد ﷺ بر همه امتها»
۶۹	«ندای پروردگار سبحان به امت حضرت محمد ﷺ»
۷۷	«کفار گناهان چیست»
۷۷	«ترغیب به صله رحم با خویشاوندان رسول خدا ﷺ»
۷۹	«شفاعت کردن مؤمنین در روز قیامت»
۸۹	«مهم ترین اطاعت خداوند»
۱۲۱	«سوره بقره» سوره ای که در آن ذکر گاو شده اهمیت و فضیلت سوره بقره ...
۱۳۵	«توسل جستن به خداوند به وسیله محمد و آل محمد ﷺ»

- ۱۴۹ «اعمال بدون ولایت مورد قبول نیست»
- ۱۵۵ «مستحقین زکات و دستور ندادن زکات به مخالفین»
- ۱۵۷ «استحباب حفظ آبرو و حیثیت به وسیله مال»
- ۱۵۷ «فضیلت یاری رساندن به مجاهدین»
- ۱۵۹ «ثواب قرض دادن»
- ۱۵۹ «ثواب یاری رساندن به ضعفاء و مظلومین»
- ۱۶۱ «ثواب رد غیبت مؤمن»
- ۱۶۳ «عبادت علی علیه السلام»
- ۱۷۳ «کسی که مکر خضایل علی علیه السلام باشد»
- ۱۷۵ «در احوال کسی که شک زند حق با علی علیه السلام است»
- ۱۷۹ «معجزات رسول خدا ﷺ»
- ۲۱۳ «قصه روز غدیر»
- ۲۱۷ «نفاق منافقینی که پس از وفات پیغمبر ﷺ مخالفت کردند»
- ۲۴۵ «دوستی با علی و اولادش علیهم السلام»
- ۲۵۳ «هنگام مرگ چه چیز برای منافقان مجسم می‌شود؟»
- ۲۶۱ «کیفیت آفرینش انسان و تکامل و پیشرفت او»
- ۲۶۳ «شکایت بریده از علی علیه السلام نزد پیامبر ﷺ و رد آن حضرت و را»
- ۲۷۹ «أركان و حاملان عرش»
- ۲۸۱ «داستان سعد بن معاذ و بلند مرتبه بودن او»
- ۲۹۳ «داستان ابری که بر رسول خدا ﷺ سایه افکند»
- ۲۹۵ «سلام کردن کوهها، صخره‌ها و سنگها بر پیامبر اکرم ﷺ»
- ۲۹۹ «حدیث مرغ بریان»
- ۳۰۳ «اتفاق یهود بر قتل رسول خدا ﷺ»
- ۳۰۷ «داستان دو درخت»

- «مانند معجزه یاد شده برای حضرت علی علیه السلام نیز رخ داد» ۳۱۱
- «حدیث ثقفی، و شهادت درخت» ۳۱۵
- «گفتگوی طبیب یونانی با امیرالمؤمنین علیه السلام» ۳۱۹
- «دستور به محبت و برادری با برادران دینی» ۳۲۹
- «دستور به تقیه» ۳۲۹
- «داستان تکلم نمودن کتف مسموم گوسفند با پیامبر صلی الله علیه و آله» ۳۳۱
- «تکلم نمودن گرگ با رسول خدا صلی الله علیه و آله» ۳۳۹
- «جزع و فرغ از دادن نخل و شاخه‌های آن» ۳۵۳
- «فضائل و مناصب حضرت علی علیه السلام» ۳۵۳
- «برگشتن زهر بر حواریین» ۳۵۷
- «مانند معجزه مذکور برای علی علیه السلام نیز رخ داد» ۳۵۹
- «خداوند طعام کم را زیاد نمود» ۳۶۳
- «به جهت ظلم نمودن شیعه به بندگان مؤمن را خدعه می‌شود» ۳۷۹
- «حدیث صله ارحام، و صله ارحام با آل محمد صلی الله علیه و آله واجب‌تر از همه است» ۳۸۳
- «نعمت‌ها در قبر و عذاب آن و دیدن محتضر صلی الله علیه و آله» ۳۹۱
- «سجده نمودن فرشتگان به حضرت آدم علیه السلام و معنای سجده» ۴۰۷
- «درختی که خداوند از آن منع فرمود درخت علوم محمد صلی الله علیه و آله است» ۴۱۱
- «وسوسه شیطانی و ارتکاب معصیت» ۴۱۳
- «توسل جستن حضرت آدم علیه السلام به محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و پذیرفته شدن توبه او» ۴۱۹
- «نمازهای پنجگانه کفار گناهان» ۴۳۱
- «فضیلت زکات» ۴۳۱
- «برای کسی که در برابر برادران مؤمن فروتنی کند» ۴۳۳
- «ورود ملک الموت بر مؤمن و نشان دادن منازل او و بزرگان را» ۴۴۳

- ۴۴۷ «ذكر اعراف و اشراف معصومين بر آن»
- ۴۴۹ «فضيلت صلوات بر نبي و آل نبي ﷺ»
- «نجات يافتن بنی اسرائیل از غرق، به جهت اقرار به ولايت محمد و آل محمد ﷺ»
- ۴۵۳ «برداشتن شدن قتل از بنی اسرائیل به وسيله توسل جستن به محمد و آل محمد ﷺ»
- ۴۶۹ «داستان اصحاب سبت»
- ۴۹۵ «داستان پيغمودن گاو در بنی اسرائیل و علت آن»
- ۵۰۳ «معجزه بزرگ از معجزات پيامبر ﷺ به پيشهاد يهود»
- ۵۲۹ «پيامی از سوی ابو جهم، به رسول خدا ﷺ و جواب آن حضرت»
- ۵۴۵ «دوستی علی عليه السلام با اهل بیت با وجود آن هيچ گناهی به شخص ضرر نمی رساند»
- ۵۶۷ «شیعه کیست؟»
- ۵۷۱ «معنای رافضی چیست؟ اول کسی که به این نام نامگذاری شد ساحران حضرت موسی عليه السلام بودند»
- ۵۷۷ «واجب بودن تقيه و ادای حقوق مؤمنين»
- ۵۹۵ «تواضع، و فضيلت دستگیری از ناتوان»
- ۶۰۳ «حضرت محمد ﷺ و علی عليه السلام پدران امت اند»
- ۶۱۱ «تلاش بر مراعات حق فامیل و نزدیکان پدر و مادر دینی»
- ۶۱۵ «یتیم واقعی آن کسی است که از امام عليه السلام بریده باشد»
- ۶۲۵ «بیبچارگان واقعی، شیعیان ضعیف ما هستند که در مقابل دشمنان ما می باشند»
- ۶۳۷ «مدارا نمودن با ناصبی ها»
- ۶۵۳